

حاج میرزا حسن فسایی، فارسنامه ناصری و مسئله اوقاف مدرسه منصوریه شیراز

بیش از صد سال از تالیف فارسنامه ناصری از مهمترین منابع تاریخ و جغرافیای فارس می‌گذرد. این کتاب یکی از بهترین آثاری است که در دوره قاجاریه تالیف شده و تاکنون و بارها، به همان صورت اولیه و بدون تصحیح و تغییر به چاپ رسیده است. ارزش و اهمیت فارسنامه ناصری برای پژوهشگران تاریخ فارس و نیز گذشت صد سال از تالیف آن فرصتی است تا به شرح احوال و آثار مؤلف آن میرزاحسن فسایی پرداخته شود. از آنجا که شرح حال مؤلف به طرز بسیار جالبی در خلال سطور و صفحات فارسنامه نقل شده، در این مقاله سعی بر آن است تا زندگی مؤلف و چگونگی تالیف فارسنامه توأمآ طرح و تدوین گردد.

مؤلف فارسنامه ناصری، میرزا حسن حسینی مکی مدنی دشتکی شیرازی فسایی است که به اختصار به میرزا حسن فسایی اشتهار دارد. اگرچه همین عنوان مختصر و ساده اخیر برای مورد خطاب قرار دادن او کافی است. اما برای اطلاع بر سرگذشت خاندان وی و بسیاری از دقائق کتاب فارسنامه ناصری بایستی نام کامل او را ذکر نمود و به تجزیه و تشریح آن پرداخت.

چنانکه مؤلف فارسنامه در بخش دوم کتاب، ذیل قسمت «اعیان محل» و به هنگام گفت و گو از بزرگان محله «سردزک» اظهار داشته است، نسب او با سی و شش واسطه و از طریق زیدبن علی به حضرت امام حسین (ع) می‌رسد.^۱ به همین جهت از سادات حسینی است و در دنباله نام خود عنوان «حسینی» را نیز ذکر می‌کند. جد بیست و نهم او سید احمد بسکین معاصر امام رضا (ع) و صاحب با آن حضرت بوده است.^۲

نخستین فرد از این خاندان که در شیراز موطن گشت علی ابوسعید نصیبی، جد بیست و چهارم میرزاحسن می‌باشد. علی ابوسعید نصیبی در سال ۴۱۷ ه. ق. به شیراز آمد و در محله دشتک ساکن شد.^۳ از آن پس، این دسته از سادات حسینی به «دشتکی» معروف گشتند و با وجود آنکه نوادگان او در زمان‌های بعد در محله‌های دیگری از شهر سکونت گزیدند و محله دشتک نیز جزو محله سردزک شد باز هم عنوان دشتکی در دنباله نام آنان باقی ماند.

این خاندان قریبی‌الاصل چون ساکن شیراز شدند لاجرم مشهور به شیرازی گشتند و به زودی در ردیف علما و بزرگان و صاحبان ملک و مال و هم‌نشینان ملوک و ملاکین درآمدند و بعدها چون از بزرگان این خاندان کسانی چون سید علی خان کبیر، جد سوم میرزاحسن به حجاز بازگشتند و مدتی در آنجا بسر بردند و موقوفات و مستغلاتی بدست آوردند.^۴ عناوین «مکی و مدنی» نیز به «حسینی دشتکی شیرازی» ضمیمه گشت. پس از چندی به دلیل آنکه در بلوک فسا املاک و آبادی‌هایی به کسانی از این خاندان رسید، عنوان «فسایی» هم بر عناوین قبلی افزوده شد و جهت رعایت اختصار و سهولت استعمال این عنوان اخیر مشهور و متداول گشت.

○ دکتر عبدالرسول خیراندیش

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

چنانکه همگان مؤلف فارسنامه ناصری را میرزاحسن فسایی می‌نامند.

میرزاحسن فسایی (۱۳۱۶-۱۳۳۷ ه. ق.) در شهر فسا به دنیا آمد. سه ماه پیش از تولد او، پدرش حسن، از دنیا رفته بود و به یاد پدر، نام حسن بر او گذارند. فقدان پدر در تربیت میرزاحسن خللی وارد نساخت زیرا مادر او از زنان دانشمند و از خانواده‌های معروف شیراز بود.^۵ چنانکه خطی نیکو داشت و چندین جلد قرآن و ذاللمعاد را به خط خود استنساخ کرده بود.^۶ طولی نکشید که مادرش نیز دارفانی را وداع گفت و برادر میرزا حسن، عهده‌دار تربیت او شد. این نامالیقات او را از تحصیل دانش بازداشت و ابتدا نزد ابوالحسن خان، پسر عم خود به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت و سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و دو سال بعد به شیراز بازگشت. این بار نزد حاج شیخ مهدی کجوری ریاضیات و نزد سیدعلی نیاز، علم‌طب را فراگرفت.^۷

ادامه تحصیلات میرزاحسن در حقیقت با مسافرت‌های متعدد او به نقاط مختلف فارس و نیز مکه و مدینه ممکن و میسر شد. بدین ترتیب سرانجام در ادبیات، تاریخ، جغرافیا، طب و ریاضیات صاحب نام گشت. چنانکه در زمان حیات در طب و ریاضیات مشهور بود، اما پس از رحلت به خاطر اشتهار فارسنامه ناصری همگان او را تنها به عنوان مورخ می‌شناسند و دیگر توانایی‌های علمی وی را نادیده می‌گیرند. میرزاحسن به عنوان اولین اثر علمی خود در سال ۱۲۸۳ ه. ق. تفسیری مشهور به تفسیر حسن را فراهم کرده است.^۸ به خاطر تعلق خاطر و وابستگی به سلسله صوفیه ذهبیه، میرزاحسن فسایی در حلقه صوفیان صاحب جایگاه و بعلت تبحر در طب و نجوم و تاریخ در محضر حاکمان، تارای پایگاه بود به طوری که نزد ظل‌السلطان و معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمرانان وقت فارس، قرب و منزلتی تمام داشت و همینان معین و مشوق او در بنای تالیف فارسنامه و معرف او به دربار تهران برای اتمام این کتاب بودند.

میرزاحسن در سال ۱۲۸۹ ه. ق. به تشویق ظل‌السلطان، نقشه فارس را ترسیم و تهیه نمود. پس از آن در سال ۱۲۹۳ ه. ق. به دستور معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمران فارس، آن نقشه را با ذکر رودها و چشمه‌سارها و جزایر و دهات فارس به ناصرالدین شاه قاجار تقدیم کرد. سه سال بعد طی فرمانی که از طرف شاه خطاب به معتمدالدوله فرهاد میرزا صادر گشت به میرزاحسن دستور داده شد که کار قبلی خود را تکمیل کرده کتابی در جغرافیای فارس بنویسد؛ ضمناً وقایع اتفاقیه هر محل را بنگارد. به همین دلیل کتاب مزبور به نام ناصرالدین شاه قاجار فارسنامه ناصری نامیده شد.^۹

انگیزه ناصرالدین شاه از صدور چنین فرمانی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. چنانکه مستقیم یا غیرمستقیم دیگران را نیز به انجام تالیفات در مسائل تاریخی و جغرافیایی

تشویق نموده است. به عنوان مثال ناسخ التواریخ (بخش قاجاریه) نوشته میرزا محمدتقی سپهر لسان‌الملک اول، تاریخ ناصری نوشته میرزا محمدتقی سپهر، روضة‌الصفای ناصری تألیف رضاقلی‌خان هدایت، منتظم ناصری نوشته محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه) و حقایق اخبار ناصری نوشته میرزا جعفرخان خورسوجی در روزگار او تألیف شد. اما مسئله مورد نظر ما در اینجا کشف هدف اصلی و شخصی میرزا حسن فسایی از تألیف فارسنامه است.

میرزا حسن فسایی در همان صفحه اول فارسنامه، پس از ذکر و ثنای پروردگار و ستایش پیامبران و مدح شاه و شاهزادگان، به یکباره به طرح دعوی حقوقی درخصوص تولیت پاره‌ای از املاک وقفی فارس می‌پردازد و برای اثبات این مدعا که این ملک و آن محل، موقوفه اجدادی او بوده و به دست فلان و بهمان غصب شده است، دلایل متعدد اعم از اسناد و اقوال و شهود و براهین عقلی و نقلی می‌آورد.^{۱۱} مؤلف با این فتح‌باب در خلال صفحات کتاب چه در آنجا که تاریخ می‌نویسد و چه

آنجا که از اعیان محل سخن می‌گوید و یا از مدارس شیراز گفت و گو می‌کند و به طور کلی در هر فرصتی، مسئله موقوفات غصب شده مدرسه منصوریه را که شامل سهل‌آباد و قصر کرم و مزرعه سختویه ... بوده است را به میان می‌کشد. چنانکه در صفحات ۲، ۳، ۴، ۸۱، ۸۳ و ۲۸۴ از بخش اول کتاب و در صفحات ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۲۳۸... از بخش دوم کتاب به طرح دعوی و تقاضای استیفای حقوق از دست رفته و استرداد اموال و املاک غصب شده می‌پردازد.

مؤلف مدعی است که امیرشرف‌الدین ابراهیم جد سیزدهم او (معاصر با علاءالدوله سمنانی، عارف قرن هشتم هجری) بر مزارش بقعه‌ای بوده و این بقعه موقوفاتی داشته است.^{۱۲} بنا بر اسناد معتبر، تا زمان نادرشاه این موقوفات برقرار بوده لیکن پس از آن از دست رفته و احتمالاً منضم به املاک دیوانی شده است. شاید علت اینکه میرزا حسن در فارسنامه چندان عنایتی به نادرشاه ندارد همین مسئله بوده باشد. سپس با ارائه سندی که منسوب به سلطان حسن بیگ آق‌قویونلو است^{۱۳} و خطاب به امیرصدرالدین دشتکی، جد دهم میرزا حسن نوشته شده ثابت می‌کند که مدرسه منصوریه و موقوفات آن بایستی در تولیت او باشد. در نامه سلطان حسن بیگ آق‌قویونلو به امیرصدرالدین آمده است که به موجب این فرمان موقوفات مدرسه منصوریه از مالیات معاف است.

تاریخ فارسنامه ناصری

تألیف

مرحوم حاج میرزا حسن حسینی فسائی

از آثارات

کتابخانه سنائی

از آنجا که شرح حال مؤلف فارسنامه ناصری به طرز بسیار جالبی در خلال سطور و صفحات فارسنامه نقل شده در این مقاله سعی بر آن است تا زندگی مؤلف و چگونگی تألیف فارسنامه توأمآ طرح و تدوین گردد



چنانکه مؤلف فارسنامه در بخش دوم کتاب، ذیل قسمت «اعیان محل» و به هنگام گفت و گو از بزرگان محله «سردزک» اظهار داشته است، نسب او با سی و شش واسطه و از طریق زیدین علی به حضرت امام حسین (ع) می‌رسد.

امیرصدرالدین این مدرسه را در سال ۸۹۳ ه. ق. بنا نهاده و املاکی بر آن وقف کرده بود. او همچنین وقف‌نامه‌ای تنظیم و تحریر نمود که بعدها میرزا حسن از متن آن نه تنها به طرح ادعای تولیت موقوفات مدرسه منصوریه می‌پرداخت بلکه سلسله نسب خود را نیز استخراج می‌کرد.

مؤلف در تعقیب ادعای خویش حتی پای از حدود موقوفات مدرسه منصوریه فراتر نهاده و در هنگام ذکر اوصاف جد سوم خویش، سید علیخان صدرالدین الحسینی مدنی مکی شیرازی، به برشمردن موقوفات او در نیشابور که توسط نادرشاه غصب شد، می‌پردازد و سپس با زبان طعن و طنز از موقوفات آن بزرگوار در طائف و مکه و اینکه هنوز برقرار است و عواید آن به نحو احسن و اکمل بدو می‌رسد سخن می‌گوید.^{۱۴}

مقصود از آنچه که در فوق آمد این نیست که بگوئیم تمامی کتاب درخصوص مسئله موقوفات غصب شده مؤلف است، اما نمی‌توان از اصرار و سماجت او در طرح این مسئله در صفحات مختلف و متعدد کتاب چشم پوشید. به عنوان مثال در

بخش دوم کتاب چنین می‌نویسد «چندین ملک وقف بر آن فرمود [منظور وقف املاکی توسط امیرصدرالدین بر مدرسه منصوریه است] و اغلب آن‌ها در دست اهل جور و عدوان افتاده است جز قریه قصر کرم بلوک فسا و مزرعه سختویه مشهور به سخنان واقع در خلف دروازه قصاب خانه شیراز که مدت سی سال است به عنوان باطل در تصرف حاجی میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک بود و بعد از وفات او ورثه آن مرحوم بالطبع و الرغبه آن مزرعه را بتصرف متولی شرعی آن که مؤلف این فارسنامه ناصری است بی‌رحمت مشاجرت و مخاصمت بدادند شکرالله مساعیمهم و از موقوفات قدیمی آن مدرسه قریه سهل‌آباد راجرد است که سالها در تصرف متولیان آن بود. در سال هزار و دویست و هشتاد و سه میرزا علی پسر حضرت مغفرت ماب حاجی میرزا ابراهیم مجتهد طاب‌ثراه... بتجویز حاجی شیخ حسین عرب مشهور به ناظم‌الشریعه... این قریه سهل‌آباد را مجرورا بنواب اشرف والاحسام السلطنه حاجی سلطان مراد میرزا والی مملکت فارس بفروخت و چون نواب معزی‌الیه از قضیه وقفیه مطلع گردید این سهل‌آباد وقفی را رد فرموده وجه ثمن او را پس گرفت پس ناظم‌الشریعه حیلتی نمود که میرزا علی خدمت جناب حاج شیخ مهدی مجتهد اقرار کند که این سهل‌آباد متصرفی من و اباء و اجداد من به عنوان مجهول‌المالک

به خاطر تعلق خاطر و وابستگی به سلسله صوفیه ذهبیه، میرزا احسن فسایی در حلقه صوفیان صاحب جایگاه و بعثت تبخر در طب و نجوم و تاریخ در محضر حاکمان، دارای پایگاه بود به طوری که نزد ظل السلطان و معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمرانان وقت فارس، قرب و منزلتی تمام داشت و همینان معین و مشوق او در بنای تالیف فارسنامه و معرف او به دربار تهران برای اتمام این کتاب بودند.



است پس سهل آباد را از آن جناب بخرید و به قیمتی ارزان به ناظم الشریعه بفروخت و در سال هزار و دو بیست و نود و پنج حضرت اشرف والاحاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا دام عزه تفحص تمام در امر سهل آباد بفرمود و رجوع به قبایله جات وقفیه و احکام شرعیه و ارقام عرفیه بر وقفیت آن نمود و از تصرف ناظم الشریعه گرفته بدست مؤلف این فارسنامه ناصری که متولی این موقوفه هستم بنیاد و در سال هزار و دو بیست و نود و نه باز ناظم الشریعه حیلتی دیگر انگیزخت و سهل آباد را از تصرف وقف باز کشید و این بنده بتصدیق علمای دارالخلافت طهران در دربار معدلت مدار... عارض گشتم و فرمان استرداد سهل آباد وقفی را صادر نمودم [نمود] ولی هیچ فایده نبخشید تا... رعیت پروری و عدالت گستری حضرت اسعد امجد ارفع والاضل السلطان ادام الله شوکت با متمریدین چه کند.^{۱۴}

کتاب فارسنامه ناصری به طور کلی در دو بخش تنظیم و تالیف شده است. بخش اول در ذکر تاریخ فارس است که از صدر اسلام و تصرف فارس به وسیله سپاهیان اسلام شروع و تا سال ۱۳۰۰ هـ. ق ادامه می‌یابد. بخش دوم کتاب مشتمل بر جغرافیای فارس، مدارس، باغات، رجال... است.

در مورد ارزش فارسنامه ناصری به دو نظر متفاوت از جانب صاحب نظران می‌توان اشاره کرد. مهدی بامداد نویسنده کتاب شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ آن را یکی از بهترین کتبی دانسته که در قرن اخیر تالیف شده است.^{۱۵} ولی مرحوم دکتر محمد معین به نقل از حسنعلی حکمت و با استناد به بخش اول کتاب فارسنامه که در خصوص تاریخ فارس است می‌نویسد: این گفتار خلاصه‌ایست از تواریخ مورخان اسلامی و فقط زحمت مؤلف در این است که حوادث هر سال فارس را از تواریخ گذشتگان استخراج کرده طی همان سال آورده است. قسمت مختصری را که تالیف می‌توان شمرد تاریخ سالهای معاصر خود اوست.^{۱۶} برای روشن شدن صحت و سقم اظهارات فوق لازم است فارسنامه ناصری را با دیگر آثار مربوط به تاریخ و جغرافیای فارس مقایسه کرد و متن آن را نیز مورد بررسی قرار داد.

قبل از فارسنامه ناصری مهمترین کتاب اختصاصی در تاریخ و جغرافیای فارس، فارسنامه ابن بلخی است. این کتاب در اوایل قرن ششم هجری توسط ابن بلخی که در فارس به خدمت دیوانی اشتغال داشت، تالیف شده است. او کتاب خود را بر اساس مدارک و منابع معتبر تنظیم نمود و به محمد بن ملک‌شاه سلجوقی (سلطنتش ۵۱۱-۴۹۸ هـ. ق) تقدیم کرد. فارسنامه ابن بلخی مشتمل بر تاریخ فارس از روزگاران کهن تا فتح آن سرزمین به دست مسلمین و نیز اطلاعاتی در خصوص جغرافیای آن می‌باشد.^{۱۷}

پس از فارسنامه ابن بلخی در کتب متعددی چون جامع‌التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی^{۱۸} (۶۴۵-۷۱۸) و مخصوص تجزیة الامصار و تزیجہ الاعصار معروف به تاریخ و صاف نوشته شهاب‌الدین عبدالله

شیرازی^{۱۹} تالیف شده در اوایل قرن هشتم، مطالب فراوانی در خصوص تاریخ فارس می‌توان به دست آورد. همچنین از کتاب‌هایی چون شیرازنامه نوشته ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی، تالیف شده در نیمه اول قرن هشتم هجری^{۲۰} یا مواهب الهی نوشته مولانا معین‌الدین یزدی (متوفی ۷۸۹ هـ) تالیف شده در اواخر قرن هشتم^{۲۱} و نیز کتاب شدالازار فی حظ الاوزار عن زوارالمزار معروف به مزارات که توسط معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی در سال ۷۹۱ هجری در خصوص قبور بزرگان شیراز نوشته شده است^{۲۲} و همچنین از بسیاری از کتاب‌های تاریخ عمومی و یا سفرنامه‌ها، اخبار فراوانی از تاریخ و جغرافیا و رجال... فارس می‌توان استخراج نمود، اما هیچکدام به خاطر محدود بودن حدود زمانی مطالبی که از آن بحث کرده‌اند یا منحصر بودن محتوای آنها به مسئله و مطلبی جزئی و یا به دلیل برگزارد نمودن اخبار فارسی به بیانی مجمل و مختصر، به پایه فارسنامه ابن بلخی نرسیدند. اگرچه آثاری همچون روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس که در سال ۱۲۰۰ تالیف شده وقایع تاریخ فارس از ۱۱۴۲ تا ۱۱۹۹ را دربردارد یا تجربه‌الاحرار و تسلیة‌الابرار نوشته دنبلی که هرچند شرح حال شعرا می‌باشد اما مشحون از نکات تاریخی است بایستی مستثنی نمود.

در مورد فارس، کتب و منابع دیگری را نیز می‌توان نام برد اما به حیث این مقال لازم است به آثاری که در تاریخ و جغرافیای فارس در دوره حیات مؤلف فارسنامه ناصری میرزا احسن فسایی بوجود آمده‌اند اشاره کرد.^{۲۳}

در سال ۱۲۲۱ هجری شخصی به نام حاجی اسدالله خان درویش فرزند حاجی‌ابراهیم کلانتر کتابی موسوم به تاریخ قوامی را به نام فتح‌الملیح شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲) نوشت. شاه قاجار در سال ۱۲۱۵ هـ. ق دستور کور نمودن مؤلف را صادر کرده بود و او نیز در ایام کوری کتاب مذکور را تهیه کرده است. در حدود نیمی از اوایل کتاب تقلیدی است از فارسنامه بلخی در مورد تاریخ فارس پیش از اسلام و مطلب جدیدی ندارد اما نیمه دوم کتاب که درباره چگونگی مورد خشم قرار گرفتن خاندان حاجی‌ابراهیم و کور شدن او بدست پادشاه وقت است مطالب سودمندی دارد.^{۲۴}

در تاریخ ۲۷ جمادی‌الاول سال ۱۲۵۶ هجری بدستور محمدشاه قاجار شخصی که به مهندس ناشناخته موسوم شده برای تهیه گزارشی از وضع راهها، امکانات دفاعی، منابع آب و سایر مشخصات و امکانات جغرافیایی به فارس و بنادر خلیج فارس اعزام می‌شود. حاصل مسافرت او در کتابی به نام سیاحتنامه جنوب ایران تنظیم شده است. این کتاب یکی از منابع پرارزش برای کسب اطلاعات در مورد ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی فارس در دوره مذکور است و مؤلف شرح مسافرت خود را به ترتیب تاریخ و منزل به منزل یادداشت کرده است. این سفرنامه با شروع حرکت از اصفهان

آغاز و در بندر بده در سواحل خلیج فارس به پایان می‌رسد.^{۲۵} در سال ۱۲۷۶ کتاب آثار جعفری در طهران با چاپ سنگی به طبع رسید. این کتاب که در خصوص مؤلف آن نظر واحدی وجود ندارد و بعضی آنرا به جعفر مشیرالدوله، و مشهور و مقبول‌تر از آن بعضی، به میرزا جعفرخان حقایق‌نگار خورموجی نسبت می‌دهند، در مورد جغرافیای جهان و نیز جغرافیای فارس است. اگرچه ترتیب تنظیم مطالب آن در مورد فارس قابل ملاحظه است لیکن به خاطر اجمال بیش از حد، چندان قابل استفاده نیست.^{۲۶} به عوض آن در نضت‌المشتاق میرزا جعفر خان به تفصیل تاریخ و جغرافیای فارس بازگو شده است (نسخه خطی).

در دهه آخر قرن سیزدهم، معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمران فارس نیز دو کتاب به نام‌های احوال فارس و فارسیان^{۲۷} و روزنامه‌چه سفر فارس تالیف نمود.^{۲۸}

در سال ۱۳۰۳ شخص ناشناسی که از جانب ناصرالدین شاه قاجار خلعتی برای ظل‌السلطان می‌برده است، شرح مامویت خود را در نوشته‌ای موسوم به سفرنامه اصفهان و فارس گردآورده است.^{۲۹} پنج سال بعد محمدحسن مهندس قاجار که برای سرکشی خطوط تلگراف فارس مسافرتی به آنجا نموده، کتابی به نام کتابچه مسافرت فارس تنظیم نمود. اینگونه آثار و آثار دیگری که در آن زمان یا سال‌های بعد بوجود آمده‌اند هیچکدام به آن حد از شهرت و اعتبار نرسیدند که بمانند فارسنامه ناصری مورد توجه قرار گیرند و در چند نوبت به طبع برسند. زیرا فارسنامه ناصری به خاطر روش خوب تاریخ‌نویسی و کثرت مطالب، گوی سبقت را از تالیفات مشابه ربوده است. حتی کتاب آثارالعجم که در اواخر دوره قاجاریه توسط فرصت‌الدوله شیرازی تالیف شد و حاوی اطلاعات فراوانی راجع به آثار و ابنیه و... فارس است به معروفیت و مقبولیت فارسنامه ناصری نرسید.

روش‌شناسی کتاب

فارسنامه ناصری حتی در مقایسه با کتابهای تاریخی دوران ماقبل مشروطیت قاجاریه نیز دارای مزایایی است زیرا دارای نثری سلیس و روان می‌باشد و در حد اغراق و افراط به ذکر القاب و عناوین جز در موارد محدودی نمی‌پردازد. در همین راستا بجای آنکه سطور متعدد کتاب را با توصیف، تمجید و چاپلوسی و ذکر القاب طویل پرازد، اطلاعات فراوانی در دسترس خواننده قرار می‌دهد. همچنین مؤلف در موارد متعددی شقاوت‌ها و سنگدلی‌های حکام و شاهان و یا سبکسری رفتار عوام را متذکر گشته و مورد نکوهش قرار می‌دهد.

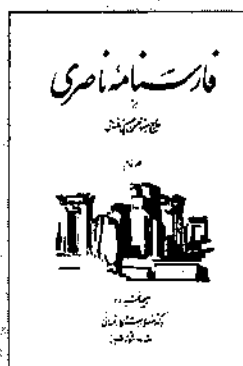
بخش اول فارسنامه ناصری که در مورد تاریخ فارس است، درحقیقت ذیل فارسنامه ابن بلخی به شمار می‌آید. زیرا تاریخ فارس را از ورود اسلام آغاز می‌کند و تا اول قرن چهاردهم می‌رساند که طبیعتاً وقایع همزمان با حیات مؤلف از ارزش خاصی برخوردار است. در این بخش اگرچه بسیاری

از وقایع به نسبت منابع اختصاصی، بیشتر به اختصار آورده شده لیکن مجموعه مرتب، منسجم و کاملی از تاریخ فارس بعد از اسلام را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. روشی که مؤلف در تنظیم این بخش به کار گرفته بدین ترتیب می‌باشد که در بالای هر صفحه نام سلطان دوران و پس از آن نام حکمران وقت فارس را ذکر می‌کند. سپس همچنانکه در متن به ذکر وقایع می‌پردازد در حاشیه، عنوان حوادث و تاریخ وقوع آنها را نمایش می‌دهد. این روش اولاً فهرست خوبی برای تسهیل مراجعه به کتاب بوجود می‌آورد، ثانیاً توالی وقایع را به خوبی حفظ می‌نماید و ثالثاً مؤلف به خوبی توانسته است رابطه دقیقی میان وقایع در سطح تاریخ ملی ایران با وجوه تاریخ محلی فارس ایجاد کند و با این رابطه را مشخص و معلوم سازد. بدین ترتیب این فرصت فراهم می‌شود تا وقایع نامعلوم یا فراموش شده تاریخ فارس با بررسی مسائل عمومی تاریخ ایران ممکن و میسر گردد.

این روش که نوعی تعمیم در تاریخنگاری به شمار می‌آید مکرراً توسط میرزااحسن فسایی به کار گرفته می‌شود و گاه چنان به مقدار زیاد مورد تاکید قرار گرفته که کتاب از صورت فارسنامه به هیئت تاریخ

ایران درمی‌آید. اینگونه تعمیم‌ها که به کرات تاریخ محلی فارس را عین تاریخ ملی ایران می‌سازد، موجبات عدم تدقیق مباحث کتاب را فراهم می‌کند، علت این امر را نمی‌توان ضعف اطلاعات مؤلف به حساب آورد بلکه دلیل آنرا می‌توان چنین دانست که مؤلف نمی‌خواسته است با اختصاص تمامی مطالب کتاب به ذکر وقایع تاریخ فارس خوانندگان ایرانی غیرفارسی اثر خود، بخصوص شخص شاه را که کتاب بخاطر و به دستور و به نام او نوشته می‌شد ملول و خسته کند و مصلحت چنان دیده است که وقایع مهجور تاریخ فارس را قربانی وقایع معروف تاریخ ایران نماید.

بخش دوم فارسنامه ناصری در مورد جغرافیای فارس، اعم از ملوکات و قراء و قصبات، رودها، چشمه‌ها، شکارگاهها و انواع شکار آنها و بیان تطورات تقسیمات فارس، همچنین ذکر مدارس، باغات، بقاع و بزرگان شیراز و جز آن است. علاوه بر شیراز، مؤلف به مسائل مختلف تاریخی و جغرافیایی شهرهای فارس نیز می‌پردازد. این بخش از آنجا که نتیجه مطالعه، مکاتبه، مصاحبه و مشاهدات شخصی مؤلف است بشنای بارز می‌باشد و می‌توان اسامی رجال و کتابها و تفصیل بسیاری از وقایع را در آن یافت. مؤلف برای دستیابی به اطلاعات موردنیاز خویش مسافرت‌هایی به مناطق مختلف



فارس انجام داده، با بسیاری از افراد مطلع به گفت و گو پرداخته و موارد متعددی از آثار و اسناد را مشاهده کرده و نیز به وسیله مکاتبه کسب اطلاعات کرده است. به علاوه تقرب او به دستگاه حکومتی فارس و توطن وی در مرکز ارتباطی مهمی چون شیراز و نیز داشتن علائق ملکی در چند نقطه از فارس او را بر بسیاری از وقایع تاریخ و جغرافیای فارس و تراجم احوال و شرح انساب مسلط ساخته بود و این خود به او در تالیف فارسنامه کمک بسیار مؤثری نموده است.

در بخش دوم کتاب، مؤلف به مقدار قابل توجهی به سوابق تاریخی آبادی‌های فارس از روزگار باستان می‌پردازد، اما بعکس استحکامی که از نظر تاریخ‌نگاری، در بخش اول کتاب از خود نشان می‌دهد، در این بخش از کشف یک رابطه عرضی میان وقایع تاریخی نواحی مختلف فارس عاجز مانده است. این کیفیت، مؤلف فارسنامه ناصری را از دستیابی به یک تصویر کلی از اوضاع عمومی فارس در یک برهه خاص محروم می‌سازد. طبیعتاً مؤلف می‌توانست همان روشی

را که در بخش اول برگزیده بود ادامه دهد یعنی همان‌طور که سعی در تبیین تاریخ محلی فارس بوسیله تاریخ ملی ایران داشت می‌توانست تاریخ نواحی مختلف فارس را نیز با مرتبط ساختن آن با کلیت تاریخ فارس هماهنگ و همراه سازد. این امر بخصوص بخاطر همبستگی مکانی و تجانس قابل توجه فرهنگی میان پدیده‌های تاریخ فارس به خوبی قابل توجه است. با اینحال اشکالی که در بخش دوم کتاب ملاحظه می‌گردد هیچ انتقادی را متوجه شخص میرزااحسن فسایی نمی‌سازد زیرا علت اصلی مسئله در چگونگی تالیف فارسنامه ناصری است.

چنانکه گفته شد بنای تالیف فارسنامه ناصری بوسیله میرزااحسن فسایی در سال ۱۲۸۹ هجری با تشویق او توسط ظل‌السلطان به تهیه نقشه فارس نهاده شد و در سال ۱۲۹۲ آن نقشه به دستور معتمدالدوله فرهادمیرزا با ذکر اسامی رودها و چشمه‌ها و دهات و... تکمیل و تقدیم شاه گردید. سه سال بعد یعنی در سال ۱۲۹۶ دستور ناصرالدین شاه مبنی بر ادامه و اتمام فارسنامه توسط معتمدالدوله فرهادمیرزا برای میرزااحسن فسایی صادر شد. بهمین جهت بخش دوم کتاب که در مورد اوضاع جغرافیایی و مسائل اجتماعی فارس می‌باشد قبل از بخش اول که راجع به تاریخ فارس است

میرزااحسن فسایی در ادبیات، تاریخ، جغرافیا، طب و ریاضیات صاحب نام گشت، چنانکه در زمان حیات، در طب و ریاضیات مشهور بود، اما پس از رحلت به خاطر اشتها فارسنامه ناصری همگان او را تنها به عنوان مورخ می‌شناسند و دیگر توانایی‌های علمی وی را نادیده می‌گیرند



میرزااحسن در سال ۱۲۸۹ ه. ق به تشویق ظل‌السلطان، نقشه فارس را ترسیم و تهیه نمود. پس از آن در سال ۱۲۹۲ ه. ق به دستور معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمران فارس، آن نقشه را با ذکر رودها و چشمه‌سارها و جزایر و دهات فارس به ناصرالدین شاه قاجار تقدیم کرد

فارسنامه ناصری حتی در مقایسه با کتابهای تاریخی دوران ماقبل مشروطیت قاجاریه نیز دارای مزایایی است زیرا دارای نثری سلیس و روان می باشد و در حد اغراق و افراط به ذکر القاب و عناوین جز در موارد محدودی نمی پردازد. در همین راستا بجای آنکه سطور متعدد کتاب را با توصیف، تمجید و چاپلوسی و ذکر القاب طویل پرازد، اطلاعات فراوانی در دسترس خواننده قرار می دهد. همچنین مؤلف در موارد متعددی شقاوتها و سنگدلی های حکام و شاهان و یا سبکسری رفتار عوام را متذکر گشته و مورد نکوهش قرار می دهد



پی نوشت ها:

* این مقاله به سال ۱۳۶۶ نوشته شد و به دلیل مشغله بسیار، از پرداختن به آن، جهت ارائه بازماندم و قسمت بیوست در سال ۱۳۷۹ نوشته شده است.

۱ - فسایی، میرزا حسن حسینی: تاریخ فارسنامه ناصری، انتشارات کتابخانه سنایی، بی تا، بی جا، گفتار دوم، ص ۸۰.

۲ و ۳ - همان، ص ۸۱.

۴ - همان، ص ۸۵.

۵ و ۶ - همان، ص ۸۷.

۷ و ۸ - همان، ص ۸۸.

۹ و ۱۰ - همان، گفتار اول، ص ۲.

۱۱ - همان، گفتار دوم، ص ۸۲.

۱۲ - همان، گفتار اول، ص ۸۱.

۱۳ - همان، گفتار دوم، ص ۸۵.

۱۴ - همان، ص ۸۳.

۱۵ - بامداد، مهدی: شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۳۴۲.

۱۶ - معین، محمد: فرهنگ معین، ماده حسن.

۱۷ - ابن البلیخی: فارسنامه، به سعی و اهتمام گای لیسترانج و رینولد نیکلسون، ذیاتی کتاب، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۱۸ - رشیدالدین فضل الله همدانی: جامع التواریخ، به کوشش دکتر بهمن کریمی، اقبال، تهران، ۱۳۳۸، ۲ جلد.

۱۹ - و صاف الحضرة، فضل الله بن عبدالله شیرازی: تاریخ و صاف [تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار] انتشار از کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری تبریز [چاپ دوم] ۱۳۳۸ (چاپ سنگی بر اساس طبع هندوستان).

۲۰ - احمدین ابی الخیر زرکوب شیرازی: شیرازنامه، به کوشش اسماعیل صاحب جوادی، بنیاد فرهنگ تهران، ۱۳۵۰.

۲۱ - معین الدین زیدی: موهب الیهی، باهتمام سعید نفیسی، تهران، بی تا، ۱۳۲۶.

۲۲ - عیسی بن جنید شیرازی: تذکره هزار مزار (ترجمه شنآلزار فی حظ الاوزار عن زوار المزار، به تصحیح و تحشیه دکتر نورانی وصال، انتشارات کتابخانه احمدی، شیراز، ۱۳۶۴.

۲۳ - روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس: شامل وقایع قسمتهای جنوبی ایران از سال ۱۱۴۲ تا ۱۱۹۹ هجری قمری، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، انتشارات کتابخانه سنایی و طهوری، تهران، ۱۳۶۲؛ عبدالرزاق بیگ دنیلی: تجربه الاحرار و تسلیه الابرار، تصحیح حسن قاضی طباطبایی، انتشارات مدرسه تاریخ و فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۳۹.

۲۴ - فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۹۵۲.

۲۵ - فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۲: ۴۴۴ و فهرست میکروفیلمها: ۱۲۰.

۲۶ - خورموجی، میرزا جعفرخان حقایق نگار: آثار جعفری، طهران، ۱۲۷۶.

۲۷ - فهرست نسخه های خطی دانشگاه، ج ۵: ۳۴۱.

۲۸ - همان، ج ۳: ۱۸۵.

۲۹ - فهرست کتابخانه مجلس، ملی، ۴۰۵: ۱.

گرفت. تا آنکه در سال ۱۹۷۲ ترجمه قسمتی از این کتاب که مربوط به دوره قاجاریه است بوسیله هربرت باس Herbert Busse صورت گرفت و با عنوان History of Persia under Qajar Rule در انگلستان و ایالات متحده منتشر شد. هرچند این کتاب اشکالات بسیار دارد و تا حدود زیادی به خاندان قوام الملک عطف توجه نموده و شخص درمی ماند که انرا تاریخ فارس یا تاریخ ایران ترجمه کند اما بهرحال اولین باز نویسی از فارسنامه ناصری به شمار می آید. سرانجام در سال ۱۳۷۷ متن انتقادی فارسنامه ناصری با تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، استاد دانشگاه شیراز به وسیله انتشارات امیرکبیر منتشر شد و سپس در سال ۱۳۷۸ به چاپ دوم رسید. این چاپ انتقادی با فهرست های ابتدا و انتهای آن و نیز افزودن ضمیمه و حواشی متعدد بر مباحث آن کار مراجعه را برای خوانندگان و پژوهشگران هموار ساخته است. نیز مصحح محترم و دانشمند در ۱۶۴ صفحه ای که به ابتدای چاپ انتقادی افزودند مباحث سودمند گوناگونی درخصوص فارسنامه ناصری، مؤلف آن و نیز سرزمین پارس افزودند که فهرست آنها به شرح زیر است:

زندگی و آثار میرزا حسن فسایی (خاندان، نیاکان، پدر میرزا حسن، مادر میرزا حسن، حاج میرزا حسن حسینی فسایی، استادان میرزا حسن، فرزندان حاج میرزا حسن، بنی اعمام حاج میرزا حسن، بزرگان خاندان سادات دشتکی، املاک میرزا حسن، مبارزه میرزا حسن برای استرداد املاک وقفی سفرهای حاج میرزا حسن، دوستان و معاشران میرزا حسن، شاعری حاج میرزا حسن، مرگ میرزا حسن، آثار میرزا حسن، چاپهای فارسنامه ناصری، منابع فارسنامه ناصری، فهرست کلی منابع فارسنامه ناصری، نثر فارسنامه ناصری، نمونه نثر ساده کتاب، نمونه نثر مصنوع کتاب، دیوانهای شعر و شاعران مورد علاقه میرزا حسن، خصوصیات و ازگانی فارسنامه ناصری، خصوصیات صرفی و نحوی فارسنامه ناصری، افکار اجتماعی و اندیشه های میرزا حسن، تحلیلی از بخشهای فارسنامه ناصری، تحلیلی از گفتار اول فارسنامه ناصری، تحلیلی از گفتار دوم فارسنامه ناصری.

فارسنامه ناصری و منابع تاریخی و جغرافیای فارس و شیراز پیش از فارسنامه ناصری. کتابهای درباره فارس و شهرستانهای آن از قاجار به بعد

ترجمه فارسنامه ناصری

فارس و شهرستانهای آن در شاهنامه فردوسی

در دنباله بخشهای اول و دوم فارسنامه ناصری در دو جلد آمده است: اکنون که یکصد سال از تألیف این اثر پرآوازه می گذرد و چاپی انتقادی نیز با همت استاد محترم دکتر رستگار صورت گرفته جای آن دارد که به مباحث تحلیلی بیشتری در مورد آن اقدام شود.

تالیف می گردد. این نکته را با مقایسه مطالب صفحه ۸۳ از بخش دوم و صفحه ۳ از بخش اول نیز می توان دریافت. در صفحه ۸۳ از بخش دوم، مؤلف از ظل السلطان که در فاصله سالهای ۱۲۸۶ تا ۱۲۹۱ ه. ق حکمران فارس بوده است خواستار اجرای عدالت با استرداد موقوفات غصب شده مدرسه منصوبه می گردد. در حالی که در صفحه ۳ از بخش اول اظهار می دارد که در سال ۱۲۹۵ ه. ق از معتمدالدوله فرهاد میرزا حاکم بعدی نیز خواهان احقاق حقوق خود گردیده است. شاید به علت تقدم تألیف بخش دوم، مؤلف در بخش اول خود را از پرداختن به جزئیات تاریخ فارس بی نیاز می دانسته است. نکته مهمی که در اینجا لازم به تذکر است اینکه مطالب بخش اول به سال ۱۳۰۰ خاتمه می یابد و تاریخ نخستین چاپ کتاب نیز سال ۱۳۱۲ در طهران است، در پایان همان بخش آمده است که مطالب سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۲ نیز تالیف شده بوده اما بعداً مفقود شده و به خاطر ضعف چشم، مؤلف قادر به نوشتن مجدد آن نیست. با اینحال در صفحه ۹۰ از بخش دوم از وضع و حال خود در سال ۱۳۰۴ سخن بمیان می آورد. چنین به نظر می آید که با رفتن معتمدالدوله فرهاد میرزا، در سال ۱۲۹۹ از ایالت فارس، میرزا حسن فسایی بهترین حامی خود را از دست داده و در غیاب او وضع مؤلف دچار تغییر اساسی شده است. زیرا در همان سال ناظم الشریعه به قول مؤلف جبلتی و اشتلمی برانگیخت و توانست موقوفه سهل آباد را از صاحب شرعی آن غصب نماید. لذا از سال ۱۳۰۰ که میرزا حسن حمایتی از جانب حکومت فارس نمی دید مصلحت چنان دیده است که به تاریخ فارس که حالا مقارن با حیات فعال وی بوده است نپردازد، شاید بتواند در کنجی آسوده روزگار بگذراند.

با وجود آنکه میرزا حسن پس از معتمدالدوله دست و دل از مجالست با ارباب حکومت و مؤانست با حکام ایالت برداشت اما از تلاش برای بازپس گرفتن قریه سهل آباد و موقوفه مدرسه منصوبه برتافت تا اینکه در سال ۱۳۱۲ کتاب فارسنامه در خصوص تاریخ و جغرافیای فارس به چاپ رسید در حالی که دعوی حقوقی میرزا حسن و اسناد و مدارک او را نیز در خود داشت. در همان سال طی حکمی از دارالخلافه طهران قریه سهل آباد به او بازگردانیده شد و در سال بعد تولیت موقوفات مدرسه منصوبه نیز برای او مسلم و مسجل گردید. او با نوشتن فارسنامه علاوه بر خدمت به علم و ادب به حقوق حقه خود نیز رسیده بود و چون در سال ۱۳۱۶ به سن ۷۹ سالگی درگذشت املاک باز یافته را برای بازماندگان و فارسنامه ناصری را برای همگان باقی گذاشت. او را در مدرسه منصوبه کنار مقبره جد یازدهم، غیاث الدین بن صدرالدین به خاک سپردند. خدایش او را رحمت کند.

پیوست *

چاپ انتقادی فارسنامه ناصری

برای نزدیک به یک قرن چاپ فارسنامه ناصری بر اساس همان چاپ سنگی اولیه و به صورت افست صورت